



## بررسی تطبیقی استانداردهای اعتباربخشی مؤسسه‌ای در دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی و علوم پزشکی (مطالعه موردی: دانشگاه‌های کرمان)

زینت روانگرد<sup>۱</sup>، مهدی لسانی<sup>۲\*</sup>، محمد حسین یارمحمدیان<sup>۳</sup>

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>اعتباربخشی و ارزشیابی مراکز آموزش عالی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا نقش بسیار مهمی در تربیت نیروی انسانی در جوامع دارند که باعث توسعه کمی و کیفی کشورها است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی استانداردهای اعتباربخشی در دانشگاه‌های غیرعلوم پزشکی و مقایسه این استانداردها با استانداردهای دانشگاه‌های علوم پزشکی انجام شد. در این تحقیق ارزشیابی مبتنی بر نظر متخصصان و خبرگان و پرسشنامه اعتباربخشی محقق ساخته است. ابتدا با مطالعات کتابخانه‌ای پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته در جهان در زمینه اعتباربخشی بررسی شدند. سپس با بهره‌گیری از نظر خبرگان پیش‌نویس حوزه‌ها و سپس استانداردهای اعتباربخشی و نشانگرها مربوط به هر حوزه اعتباربخشی طراحی شدند. حوزه‌ها و استانداردها و نشانگرهای نهایی با استفاده از تکنیک دلفی و نظر نهایی صاحب‌نظران به‌صورت نهایی درآمدند و در نهایت از روش تحلیل عاملی جهت خلاصه‌سازی و تعیین سهم هر یک از عوامل استفاده شد. حوزه ظرفیت، منابع، امکانات و تجهیزات، در دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی کرمان به‌عنوان مهم‌ترین حوزه در تدوین حوزه‌های اعتباربخشی مؤسسه‌ای است. در دانشگاه‌های علوم پزشکی، حوزه مدیریت در اولویت اول قرار دارد. نتایج این پژوهش می‌تواند راهنمایی باشد برای مراکز آموزش عالی که بدانند از نظر توسعه کمی و کیفی در چه سطحی قرار دارند و برای رسیدن به بهترین سطح توسعه چه راهی باید طی شود.</p>	<p><b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی</p> <p><b>شاپا الکترونیکی:</b> ۲۷۸۳-۴۵۶۵</p> <p><b>شاپا چاپی:</b> ۲۰۰۸-۹۷۷۵</p> <p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۰/۱۱/۰۵</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۱/۰۲/۲۰</p> <p><b>واژه‌های کلیدی:</b> اعتباربخشی، استاندارد، آموزش عالی، دانشگاه</p>

<p>لطفاً به این مقاله استناد کنید: روانگرد، زینت، لسانی، مهدی، یارمحمدیان، محمد حسین. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی استانداردهای اعتباربخشی مؤسسه‌ای در دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی و علوم پزشکی (مطالعه موردی: دانشگاه‌های کرمان). <i>مطالعات رفتاری در مدیریت</i>. ۱۲(۲۸): ۷۳-۵۴.</p>		
	<p>Creative Commons: CC BY 4.0</p>	
<p>ایمیل: <a href="mailto:mlesani@uk.ac.ir">mlesani@uk.ac.ir</a></p>	<p>* نویسنده مسوول: مهدی لسانی</p>	<p>ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال</p>

۱. دانشجوی دکتری رشته مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

[zinat.ravangard@gmail.com](mailto:zinat.ravangard@gmail.com),

۲. دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان ایران، [mlesani@uk.ac.ir](mailto:mlesani@uk.ac.ir),

۳. استاد مرکز تحقیقات مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده علوم پزشکی اصفهان، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

[mohamadhoseinyarmohamadian4520@gmail.com](mailto:mohamadhoseinyarmohamadian4520@gmail.com).

## مقدمه

امروزه مدیران با چالش‌های هزینه، بهبود کیفیت و قوانین حاکمیتی در دانشگاه‌ها روبه‌رو هستند (ظفری پور و محمدی، ۱۳۹۳، ۶۵) و در پاسخ به این چالش‌ها مدیران تمام سطوح در جستجوی روش‌ها و ابزارهای گوناگونی برای بهبود کیفیت آموزشی هستند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳). استانداردهای حاکمیتی از دیگر چالش‌های مدیریتی خدمات آموزشی است که شواهد کافی مبنی بر این که آیا استانداردهای حاکمیتی در قالب اعتباربخشی منجر به بهبود کیفیت آموزشی می‌شود، وجود ندارد (ولاسنو و گرونبر و پارلا، ۱۳۸۳). در پاسخ به این چالش‌ها، مدیران در جستجوی روش‌های مدیریت اثربخش هستند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰).

پیچیدگی‌های نظام آموزشی نیاز به تعادل بین ساختار، فرایند و پیامد در زمینه پایش کیفیت را دارد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰). سیستم‌های مدیریت کیفیت که روی ساختارها و فرایندهای سازمان‌های ارائه دهنده خدمات تأکید دارند، رویکردی برای پرهیز از کیفیت ضعیف هستند (آزادی و همکاران، ۱۳۹۲).

مشاوران مدیریت کیفیت معتقدند پتانسیل زیادی برای توانمندسازی سازمان‌ها و مؤسسات ارائه دهنده خدمات جهت بهبود کیفیت بدون افزایش هزینه‌ها وجود دارد (وارمر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴، ۳۷).

در حال حاضر اعتباربخشی به علت گسترش دانشگاه‌ها و ارائه خدمات متنوع در دانشگاه‌های مختلف از اهمیت بالایی برخوردار است (سین، تاواریس و آمارال<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹، ۹۲۱).

یکی از ارکان ارزیابی مدیریت کیفیت، ارزیابی مطابقت با استانداردها است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳) و از این طریق دانشگاه‌ها با پیروی از استانداردهای موجود، خدمات خود را با کیفیت بالا به‌منظور بهبود نتایج آموزشی ارائه می‌دهند (ظفری پور و محمدی، ۱۳۹۳).

بر همین اساس، پژوهش حاضر نیز به همین سبک و سیاق، قصد دارد با تبیین و اولویت‌بندی نشانگرهای ابعاد استانداردهای اعتباربخشی موسسه‌ای دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی کرمان، به مقایسه استانداردهای اعتباربخشی موسسه‌ای دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی کرمان با دانشگاه‌های علوم پزشکی بیردازد.

## مبانی نظری:

اعتباربخشی یک نوع فرایند تضمین کیفیت است که در آن کلیه فعالیت‌های مؤسسه شامل خدمات ارائه شده مؤسسه‌ای یا برنامه‌ای توسط یک سازمان خارجی مورد ارزیابی و تأیید قرار می‌گیرد (دمیانو و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹) تا تعیین شود آیا خدمات ارائه شده توسط این مؤسسات با استانداردهای تعیین شده قابل اجرا و شناخته‌شده مطابقت دارد یا خیر؟ (بلوم، بو و داوینپورت<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸، ۷۲) در صورت تطابق با استانداردها، گواهی اعتبارسنجی به مؤسسه آموزشی اعطا می‌گردد (ترا و برسانتی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸).

مزیت اصلی رویکرد اعطای گواهینامه یا اعتبارسنجی این است که به افراد غیرمتخصص کمک می‌کند که درباره کیفیت سازمان‌ها و برنامه‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای افراد، قضاوت آگاهانه داشته باشند (وان دام<sup>۷</sup>، ۱۳۸۳). به‌طور کلی مزایای اعتبارسنجی عبارت‌اند از: ۱- مطابقت با استانداردهای حرفه‌ای، ۲- استفاده متعادل از روش‌های کمی و کیفی، ۳- فراهم کردن مبنایی برای پاسخگویی، ۴- ارتقاء و کمک به استفاده از یافته‌های ارزشیابی، ۵- تأکید بر تفکر مستقل، ۶- تأکید بر حمایت از مصرف‌کننده، ۷- ارائه یک سنجش جامع از ارزش و شایستگی برنامه و ۸- رتبه‌بندی کیفیت برنامه و مؤسسه (آل و بیم<sup>۸</sup>، ۱۳۸۹، ۷۸).

فرایند اعتبار سنجی عموماً سه گام یا فعالیت خاص را شامل می‌شود: ۱) یک فرایند خود-ارزیابی در ارزیابی درونی خود اعضای نظام مورد ارزیابی به سنجش و ارزیابی می‌پردازند (ظفری پور و محمدی، ۱۳۹۳، ۶۵) بازدید مطالعاتی<sup>۹</sup> که یک تیم متشکل از متخصصان مربوطه انجام می‌پذیرد؛ و با بررسی شواهد موجود در مؤسسه و مصاحبه با کارکنان علمی و اداری گزارش خود را به همراه پیشنهادات برای کمیسیون اعتباربخشی ارسال می‌کنند (برزنسکی<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۱۵، ۱۳) آزمون و بررسی شواهد و پیشنهادات توسط کمیسیون بر مبنای مجموعه معینی از معیارهای مرتبط با کیفیت و درنهایت این گام منجر به یک قضاوت نهایی (پایانی) و در صورت صلاحدید ابلاغ تصمیم رسمی کمیسیون به مؤسسه و سایر مؤسسات، می‌شود (مارتین و استلا، ۱۳۸۸، ۵۵). از جمله حوزه‌های مورد بررسی در اعتباربخشی عبارت‌اند از: مأموریت و اهداف، رعایت اصول اخلاقی و عدالت، مدیریت و رهبری، آموزش و یادگیری دانشجو، حوزه رشد و بالندگی اعضای هیئت علمی (دیکسون، ۲۰۰۶)، رشد و بالندگی اعضای غیر هیئت علمی، ظرفیت، منابع، امکانات و تجهیزات، خدمات دانشجویی، پژوهش، تحقیقات، فناوری و روابط بین‌الملل، روابط سازمانی با جامعه و اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه، ارزشیابی (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰).

در دانشگاه‌های علوم پزشکی بیشتر بر حوزه‌های مأموریت و اهداف، مدیریت، منابع و امکانات، آموزش کارکنان، هیئت علمی، خدمات دانشجویی، پژوهشی و آموزش دانشجو تأکید می‌گردد که در مقایسه با پژوهش حاضر حوزه‌های اصول اخلاقی و عدالت، روابط سازمانی با جامعه و ارزشیابی علاوه بر موارد ذکر شده مورد بررسی قرار می‌گیرند (ظفری پور و محمدی، ۱۳۹۳، ۶۵).

دو نوع اساسی اعتباربخشی آموزشی وجود دارد: یکی از آن‌ها به‌عنوان «مؤسسه‌ای یا نهادی» شناخته می‌شود و یکی به‌عنوان «تخصصی» یا «برنامه» نامیده می‌شود (گریگر<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۹). اعتباربخشی مؤسسه‌ای به‌طور کلی برای یک مؤسسه اعمال می‌شود که نشان می‌دهد که هر یک از بخش‌های مؤسسه در دستیابی به اهداف مؤسسه نقش دارند (هیننکپام و کرریا و ویلنکسن<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۹).

مجوز تخصصی یا برنامه‌ریزی معمولاً به برنامه‌ها، ادارات و یا مدارس که بخشی از یک مؤسسه هستند اعمال می‌شود (اتان<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۶). واحد معتبر ممکن است به‌عنوان یک کالج یا مدرسه در یک دانشگاه یا به‌عنوان یک برنامه درسی در رشته یکسان باشد (کاشیاما و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۹). اعتبارسنجی در تضمین کیفیت، روشی است که در آن از راه ارزیابی درونی و بیرونی، درباره میزان تحقق استانداردها یا الزامات از پیش تعیین شده، درباره یک مؤسسه یا برنامه، قضاوت صریحی به عمل می‌آید (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

با توجه به تاریخچه اعتبارسنجی در ایران و باوجود تجارب چشمگیر در سطح بین‌المللی، در ایران طی پانزده سال گذشته پژوهش‌ها و اقدام‌هایی ارزشمند و علمی درباره ارزیابی درونی و بیرونی کیفیت در سطح گروه‌های آموزشی انجام شده است. اگرچه اعتبارسنجی از راه ارزیابی درونی و بیرونی در بهترین حالت برای سطح گروه آموزشی مطلوب است، این امر برای اشاعه فرهنگ کیفیت ضروری است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

فرآیند اعتباربخشی در کشور ما هنوز به‌صورت نهادینه درنیامده و بیشتر به‌صورت مقطعی انجام شده تا مداوم و قانونمند. با این وجود به‌صورت مقطعی در آموزش عالی اقداماتی صورت گرفته است که از آن جمله در سال ۱۳۷۱ طرحی درباره رتبه‌بندی دانشگاه‌ها تدوین شد اما با مخالفت شدید شورای سرپرستان دانشگاه‌ها روبرو شد. در سال ۱۳۷۴ توسط دبیرخانه شورای نظارت، ارزشیابی و گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی، اولین گام علمی و سیستماتیک ارزشیابی در قالب طرح ارزیابی درونی با رویکرد مبتنی بر هدف پی‌ریزی شد (نعمتی، ۱۳۹۹، ۱۳۸). در ابتدا به‌صورت پایلوت در ۶ گروه آموزشی و سپس در بیش از ۱۵۰ گروه آموزشی ارزیابی درونی انجام گرفت. در سال ۱۳۷۹ طرح رتبه‌بندی دانشکده‌های علوم پزشکی توسط شورای آموزش پزشکی و

تخصصی انجام شد که در جهت ایجاد بانک اطلاعاتی و رتبه‌بندی دانشکده‌های پزشکی نتایج خاص خود را به همراه داشت. در این زمینه ۱۰ حوزه با عناوین ۱- رسالت و اهداف، ۲- مدیریت، ۳- منابع و امکانات، ۴- آموزش کارکنان، ۵- هیئت علمی، ۶- آموزش دانشجوی، ۸- آموزش مداوم فارغ‌التحصیلان، ۹- پژوهشی، ۱۰- آموزش بالینی شناسایی شدند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰). در سال ۱۳۹۲ دانشگاه علوم پزشکی تهران سند اعتباربخشی بین‌المللی را منتشر نمود. در این سند، معاونت بین‌الملل دانشگاه به تشریح سازوکار اعتباربخشی مؤسسه‌ای بین‌المللی و تشکیل شبکه اعتباربخشی بین‌المللی در بخش آموزش عالی پرداخته است (آزادی و همکاران، ۱۳۹۲).

در سال ۱۳۹۴ استانداردهای اعتباربخشی مؤسسه‌ای دانشگاه‌های علوم پزشکی مصوب اولین جلسه کمیسیون ملی اعتباربخشی به تصویب رسید. این استانداردها شامل ۸ حوزه (رسالت و اهداف «۴ شاخص»، مدیریت «۱۳ شاخص»، منابع و امکانات «۱۵ شاخص»، آموزش کارکنان «۳ شاخص»، هیئت علمی «۶ شاخص»، خدمات دانشجویی «۴ شاخص»، پژوهشی «۱۱ شاخص»، آموزش دانشجوی «۱۰ شاخص») می‌باشند (کمیسیون ملی اعتباربخشی، ۱۳۹۴).

اعتباربخشی مؤسسه‌ای بین‌المللی در دانشگاه‌های علوم پزشکی داوطلب در سال ۱۳۹۵ و با تشکیل شبکه سه لایه‌ای تضمین کیفیت و اعتباربخشی بین‌المللی در دانشگاه به صورت موارد ذیل آغاز گردید: تشکیل دبیرخانه شبکه تضمین کیفیت و اعتباربخشی بین‌المللی در دانشگاه (صدور احکام اجرایی برای اعضای شبکه در هر لایه، تعیین رابطین برای هر لایه از شبکه)، تدوین سند تضمین کیفیت و اعتباربخشی بین‌المللی دانشگاه، اعتباربخشی فرایندی فراگیر است و مشارکت تمامی دانشگاه (ستاد و صف) را می‌طلبد، آموزش به بدنه دانشگاه درباره اعتباربخشی بین‌المللی به منظور جلب مشارکت آن‌ها ضرورت دارد، تعیین نیروی انسانی اختصاصی برای فعالیت در حوزه اعتباربخشی در سطوح مختلف ضروری است (مدیر اعتباربخشی بین‌المللی و کارشناس اعتباربخشی بین‌المللی) (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - دبیرخانه اعتباربخشی بین‌المللی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور).

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد اعتبارسنجی بتواند باعث کمک به افزایش سطح مهارت‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای افراد، کیفیت سازمان مربوطه و برنامه‌هایشان از طریق تعیین استانداردهای از پیش تعیین شده می‌شود و در نتیجه باعث به وجود آمدن اطمینان در اқشار جامعه و سایر مؤسسات می‌شود که این مؤسسه آموزشی دارای خدمات آموزشی و پژوهشی و ... مطلوب، مناسب، استاندارد، متناسب با نیاز جامعه و حتی جامعه جهانی و بازار کار است و در نتیجه استقبال مردم و مؤسسات جهت برخورداری از خدمات ارائه شده در نتیجه تشویق مؤسسه جهت ادامه این روند و ایجاد رقابت در سایر مؤسسات جهت بهبود کیفیت خدمات از طریق اعتبار سنجی است.

### پیشینه پژوهش

در سال (۱۳۸۱) در پژوهشی تحت عنوان ارائه الگوی برای اعتباربخشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور که توسط بازارگادی و همکاران انجام گرفت. نتایج نشان داد الگوی پیشنهادی بر اساس گذر از چهار مرحله اصلی؛ درخواست اعتباربخشی توسط مؤسسه، تعیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های عملکردی، فرایند خودارزیابی و انجام ارزشیابی توسط همتایان، قادر خواهد بود به ارزیابی کیفیت و با اعتباربخشی دانشگاه‌های یادشده بر اساس معیارها و شاخص‌های کمی و کیفی بپردازد. این پژوهش دارای ۱۶ حوزه شامل: حوزه- های انتشار کتب دانشگاه، وجود پایگاه‌های اطلاعاتی، روابط دانشگاه با سایر دانشگاه‌های جهان، کارکنان غیر هیئت علمی،

فوق‌برنامه در دانشگاه، اعضای هیئت‌علمی، رسالت و اهداف، مدیریت کیفیت جامع، تجهیزات آزمایشگاهی و کارگاهی، خدمات مشاوره‌ای و اجرایی هیئت‌علمی، فضای، آموزشی، تحقیقاتی و کمک‌آموزشی، برنامه‌های آموزشی و درسی، عامل دانشجویی، عامل پژوهشی، عامل مالی اداری و عامل فارغ‌التحصیلان است که در مقایسه با تحقیق حاضر در زمینه حوزه‌های انتشار و روابط با سایر کشورهای جهان، پایگاه‌های اطلاعاتی، فوق‌برنامه در دانشگاه و خدمات مشاوره‌ای و اجرایی متفاوت است البته پژوهشگر از این عوامل در تحقیق خود به‌عنوان زیرشاخه یاد کرده است مثلاً، روابط با سایر کشورهای جهان در حوزه پژوهشی قرار گرفته است.

شارع‌پور، فاضلی و صالحی در سال ۱۳۸۷ در مقاله بررسی شاخص‌های کیفیت در آموزش عالی بر مبنای تحلیل شایستگی‌های کانونی، ضمن بررسی تغییرات پدیده آمده در نظام‌های اقتصادی و اجتماعی و پیامدهای آن‌ها برای نظام آموزش عالی، فهرستی از ویژگی‌هایی که دانشجویان آموزش عالی در همه رشته‌ها باید دارا باشند ارائه کرده است و آن‌ها را شایستگی‌های کانونی می‌خواند. سپس به تحلیل این نکته پرداخته می‌شود که شاخص‌های کیفیت آموزش عالی بر اساس متغیرهای جمعیت شناختی و آموزشی تا چه حد اعتبار دارد. میزان اعتبار این شاخص‌ها نیز بر اساس تکنیک تحلیل تمایز صورت گرفته است.

در سال (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان تدوین سیستم‌های اعتباربخشی مؤسسه‌ای در دانشگاه‌های علوم پزشکی که توسط یوسفی و همکاران انجام گرفت، نتایج پس از کسب نظر موافق صاحب‌نظران دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور و با مراعات ارزش‌های موردقبول اجتماعی- فرهنگی کشور و در تناسب با نظام اجرایی و الزامات قانونی جمهوری اسلامی ایران استانداردهای اعتباربخشی مؤسسه‌ای در قالب ۱۰ حوزه و ۹۵ استاندارد و ۵۰۴ شاخص تدوین شد. در این تحقیق استانداردهایی که بیشتر از ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان موافق قرار گرفتن آن تحت استانداردهای ضروری بودند، به‌عنوان استانداردهای ضروری در نظر گرفته شدند. مابقی استانداردها به‌عنوان استانداردهای ترجیحی قلمداد گردیدند. این استانداردها شامل: حوزه‌های مأموریت و اهداف، مدیریت، منابع و امکانات، آموزش کارکنان، هیئت‌علمی، خدمات دانشجویی، پژوهشی و آموزش دانشجو است که در مقایسه با پژوهش حاضر در حوزه‌های اصول اخلاقی و عدالت، روابط سازمانی با جامعه و ارزشیابی متفاوت است.

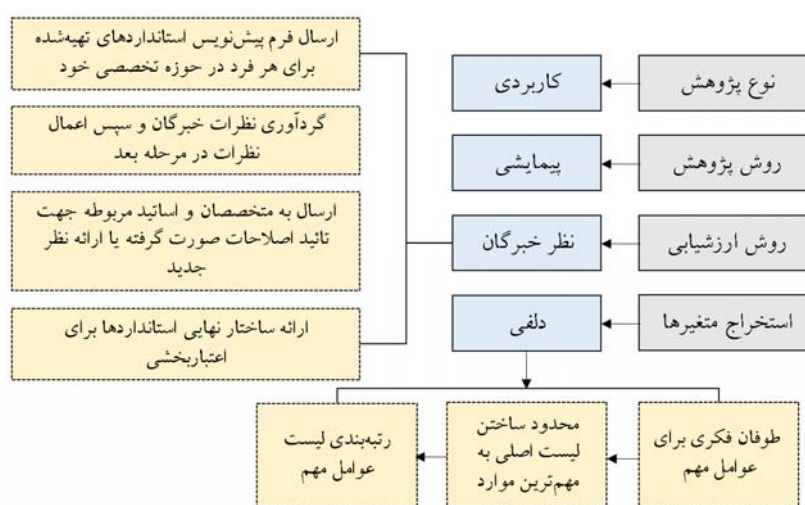
حاتمی، محمدی و اسحاقی در سال ۱۳۹۰ در مقاله‌ای با عنوان چالش ساختارسازی برای نظارت و ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی ایران، ضمن مروری بر پیشینه ارزیابی در نظام آموزش عالی ایران و با توجه به تجارب بین‌المللی در این حوزه و اصول و ویژگی‌های آن، به بررسی رویکردهای ارزیابی و اقدامات انجام شده پردازد و تحلیلی از وضعیت موجود ارائه دهد. همچنین از نظر نویسندگان، از آنجا که در سال‌های اخیر ایجاد ساختارهای شبکه‌ای تضمین کیفیت در آموزش عالی بسیار مورد توجه قرار گرفته است و نظر به این که نظام آموزش عالی ایران از زیرنظام‌های متمایزی تشکیل شده است، در ترسیم مطلوب‌ترین حالت برای ساختار ارزیابی و تضمین کیفیت در آموزش عالی ایران، ساختار شبکه‌ای را مورد تأکید قرار داده‌اند.

فراستخواه در کتابی تحت عنوان شاخص آموزش عالی (۱۳۹۵) پس از اتمام کار داده‌اندوزی و داده‌پردازی به روش کمی که در پایان آن برای هر نشانگر یک ترکیب وزنی دربرگیرنده وزن خوشه و وزن نشانگر به‌دست آمده بود، جهت عمق بخشیدن به بررسی، از روش کیفی پانل و گروه بحث کانونی <sup>۱۶</sup>FDG استفاده کرده است. نشانگرها با اوزان ترکیبی خود به بحث و گفتگوی پنل خبره گذاشته شد و مورد بررسی عمیق و خبرگی اکتشافی و کیفی قرار گرفت و نهایتاً ۲۰۷ نشانگر (بدون احتساب تفکیک‌های دختر و پسر و ...) از میان نشانگرهایی که در بخش کمی بالاترین وزن‌ها را در رتبه‌بندی داشتند و در بخش کیفی نیز مورد تأکید توافقی خبره‌ها پس از بحث و گفتگو واقع شده بود به‌عنوان نشانگرهای کلیدی شناسایی و در ده موضوع عملکردی شامل (بهبود فرایندها

در مدیریت کارا و اثربخش، تقاضا گرایی و مأموریت گرایی، عدالت، تنوع، اشتغال و کارآفرینی / تأثیر اجتماعی، تعاملات ملی و بین‌المللی، ارزشیابی، اعتبارسنجی و عمل خوب، فناوری و نوآوری، استقلال آکادمیک، رشد و بالندگی هیئت علمی و کارکنان) و ۴ موضوع کارکردی شامل: (آموزشی دانشجویی، پژوهشی و فناوری، فرهنگی و اجتماعی و نهادی زیرساختی، اداری، مالی و عمرانی) دسته‌بندی شدند؛ که به نوعی می‌توان گفت به سبک پژوهش حاضر سعی در تدوین استانداردهای لازم برای ارتقای کیفی آموزش عالی و مؤسسات بودند.

## روش پژوهش

این پژوهش یک مطالعه کاربردی و روش انجام آن پیمایشی است که در دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی کرمان انجام شد. در این پژوهش از روش ارزشیابی مبتنی بر نظر خبرگان استفاده گردید. برای این منظور در گام اول برای این منظور در گام اول برای شناسایی حوزه‌ها و استانداردهای اعتباربخشی به مطالعه سایت‌ها و منابع اطلاعاتی مانند: PubMed, Emerald, Google scholar, Scopus, web of sciences مراجعه گردید در راند دوم ۵۰ نفر از خبرگان و مدیران آموزش عالی و متخصص و دارای تجربه در مراکز آموزشی، مدیریت، امور اداری، امور پژوهشی و امور آموزشی دانشگاه‌های غیر علوم انتخاب شدند. جلسه‌ای تشکیل شد که در آن پیش‌نویس از حوزه‌ها و استانداردهای اعتباربخشی که بعد از مطالعه حوزه‌ها و استانداردهای اعتباربخشی جهانی تهیه گردید. در راند سوم و به منظور اتفاق نظر در نتایج با استفاده از تکنیک دلفی چارچوب نهایی اعتباربخشی تکمیل و با استفاده از نظر خبرگان نهایی شد. بعد از نهایی شدن هر حوزه به منظور نهایی کردن استانداردها و به همراه آن نشانگرها هر حوزه به صورت تخصصی در اختیار واحد مربوطه قرار گرفت؛ که در نهایت ۲۷ نفر از افراد متخصص و صاحب نظر در هر حوزه شرکت کردند. در این راند فرم پیش‌نویس استانداردهای تهیه شده برای هر فرد در حوزه تخصصی خود ارسال گردید. سپس نظرات آن‌ها گردآوری شد و بعد از اعمال نظرات در مرحله بعد مجدداً و جهت تأیید اصلاحات صورت گرفته یا ارائه نظر جدید برای متخصصان و اساتید مربوطه ارسال گردید. در این مرحله عدم ارسال نظر جدید، به عنوان موافقت منظور شد. در نهایت در مرحله آخر ساختار نهایی استانداردها برای اعتباربخشی مجدداً در جلسه با حضور صاحب نظران مطرح و بررسی شده و به تأیید کلیه اعضا رسید.



نمودار ۱: فرایند روش تحقیق

سپس جهت اینکه از میان تعداد زیادی متغیر تعداد کمی عامل کشف شود، از تحلیل عاملی زمانی مورد استفاده قرار گردید. در واقع، در روش تحلیل عاملی تعداد زیادی متغیر در چند عامل خلاصه می‌شود. تحلیل عاملی نامی عمومی است برای برخی روش‌های آماری چند متغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن داده‌هاست.

### یافته‌ها:

مجموعاً ۱۱ حوزه و ۸۱ استاندارد و ۵۲۵ نشانگر استخراج گردید که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود؛ که حوزه‌ها شامل مؤلفه‌هایی بدین شرح بودند: (مأموریت و اهداف، رعایت اصول اخلاقی و عدالت، مدیریت و رهبری، آموزش و یادگیری دانشجوی، رشد و بالندگی اعضای هیئت‌علمی، رشد و بالندگی کارکنان، ظرفیت/منابع و امکانات و تجهیزات، خدمات دانشجویی، پژوهش و رابط بین‌المللی، روابط سازمانی با جامعه و ارزشیابی).

جدول ۱: نشانگرهای استخراج شده

مأموریت و اهداف	حوزه ۱
روشن و شفاف بودن مأموریت و اهداف	استاندارد ۱
قابل اجرا بودن اهداف و سازگاری با مأموریت موسسه	استاندارد ۲
وجود برنامه ارزیابی دوره‌ای جهت اطمینان از تحقق اهداف	استاندارد ۳
رعایت اصول اخلاقی و عدالت	حوزه ۲
عدالت و حمایت	استاندارد ۱
تنوع جمعیت و قشربندی اجتماعی در دانشگاه	استاندارد ۲
حوزه	استاندارد ۳
مدیریت و رهبری	حوزه ۳
روشن و مکتوب بودن وظایف افراد شاغل در دانشگاه	استاندارد ۱
اهتمام مدیریت دانشگاه به تدوین شیوه‌نامه برای اجرای مقررات	استاندارد ۲
انتصاب مدیران بر اساس ملاک‌های روشن	استاندارد ۳
وجود نظام اطلاعات مدیریت (MIS)	استاندارد ۴
آمادگی دانشگاه برای واگذاری وظایف به بخش غیردولتی و کاهش تصدی	استاندارد ۵
وجود سیاست تفویض اختیار	استاندارد ۶
ارزیابی دوره‌ای از عملکرد	استاندارد ۷
فرآیند تخصیص بودجه دانشگاه	استاندارد ۸
شهرت، جوایز و نشان‌های علمی	استاندارد ۹
استقلال دانشگاهی	استاندارد ۱۰
آموزش و یادگیری دانشجوی	حوزه ۴

استاندارد ۱	مشخص بودن برنامه‌های درسی
استاندارد ۲	تنوع برنامه‌های درسی
استاندارد ۳	پشتیبانی از شیوه‌های فعال تدریس
استاندارد ۴	ارزشیابی منظم برنامه‌های درسی
استاندارد ۵	وجود سیستم کارآمد و پاسخگو در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانشجویان در دروس نظری
استاندارد ۶	ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی تحصیلی به دانشجویان
استاندارد ۷	توجه ویژه به حل مشکلات آموزش مؤسسه از طریق تحقیقات
استاندارد ۸	ارائه خدمات آموزشی
استاندارد ۹	استفاده از ظرفیت مازاد دانشگاه برای ارائه دوره‌های آزاد و شبانه
استاندارد ۱۰	توجه برنامه‌ریزی شده به دانشجویان ممتاز و مستعد
استاندارد ۱۱	پذیرش دانشجو
استاندارد ۱۲	تحصیلات تکمیلی
استاندارد ۱۳	مدیریت پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی
حوزه ۵	رشد و بالندگی اعضای هیئت علمی
استاندارد ۱	وجود خط‌مشی برای استخدام اعضای هیئت علمی
استاندارد ۲	ترکیب، توزیع و تعداد اعضای هیئت علمی در دانشگاه
استاندارد ۳	وجود سیستم برای ارزشیابی و ارتقای اعضای هیئت علمی
استاندارد ۴	وجود سیستم اطلاعات در مورد اعضای هیئت علمی
استاندارد ۵	وجود سازوکار مشخص برای آموزش مستمر اعضای هیئت علمی
استاندارد ۶	مشخص بودن برنامه فعالیت اعضای هیئت علمی
استاندارد ۷	منزلت و مشارکت هیئت علمی
استاندارد ۸	فناوری و نوآوری هیئت علمی
استاندارد ۹	کفایت هیئت علمی
حوزه ۶	رشد و بالندگی اعضای غیر هیأت علمی
استاندارد ۱	وجود منابع برای آموزش کارکنان
استاندارد ۲	وجود سیستم اطلاعات آموزش کارکنان
استاندارد ۳	وجود برنامه برای آموزش کارکنان
استاندارد ۴	تناسب و توسعه منابع انسانی غیر هیأت علمی
حوزه ۷	ظرفیت، منابع، امکانات و تجهیزات
استاندارد ۱	فضای فیزیکی جهت انجام امور ستادی دانشگاه



استاندارد ۲	فضاها و امکانات برای استفاده کارکنان و مراجعان
استاندارد ۳	قابل دسترس بودن فضای ورزشی برای دانشگاه
استاندارد ۴	در دسترس بودن مهد کودک و کودکستان برای کارکنان و دانشجویان دانشگاه
استاندارد ۵	در دسترس بودن وسایل نقلیه عمومی برای کارکنان و دانشجویان
استاندارد ۶	وجود فضا و امکانات فیزیکی در دانشکده‌ها
استاندارد ۷	رعایت استانداردهای ایمنی در دانشکده‌ها
استاندارد ۸	وجود فضای اختصاصی به دانشجویان جهت فعالیت‌های انفرادی
استاندارد ۹	دسترسی آسان به خدمات تکثیر جهت دانشجویان و هیئت علمی
استاندارد ۱۰	وجود امکانات برای آموزش مهارت‌های عملی به دانشجویان
استاندارد ۱۱	وجود امکانات و خدمات سیستم اطلاع‌رسانی
استاندارد ۱۲	خدمات کالبدی
حوزه ۸	خدمات دانشجویی
استاندارد ۱	ارائه خدمات ضروری به دانشجویان
استاندارد ۲	ارائه خدمات فوق برنامه
استاندارد ۳	مشارکت دانشجویان در امور دانشجویی
استاندارد ۴	رسیدگی به امور انضباطی دانشجویان
استاندارد ۵	وجود خوابگاه‌های دانشجویی با امکانات
استاندارد ۶	فرهنگ و زندگی دانشجویی
حوزه ۹	پژوهش، تحقیقات و فناوری و روابط بین الملل
استاندارد ۱	برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت بر فعالیت‌های پژوهشی
استاندارد ۲	توجه به گسترش کمی و کیفی طرح‌های پژوهشی
استاندارد ۳	وجود سیستم کارآمد ارتباط حوزه پژوهش مؤسسه با بخش خدمات و صنعت
استاندارد ۴	سازمان‌یافتگی انتشار آثار علمی مؤسسه
استاندارد ۵	سازمان‌یافتگی نحوه برگزاری همایش‌ها
استاندارد ۶	برنامه‌ریزی برای استفاده گسترده اعضای هیئت علمی از فرصت‌های مطالعاتی
استاندارد ۷	برنامه‌ریزی برای گسترش روابط با مراکز علمی خارج کشور
استاندارد ۸	وجود مراکز تحقیقاتی سازمان یافته و کارآمد
استاندارد ۹	برنامه‌ریزی دانشگاه برای توسعه نوآوری و اختراعات
استاندارد ۱۰	حمایت نظام یافته از فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان
استاندارد ۱۱	تولید دانش و معنا

استاندارد ۱۲	کار جمعی و تیمی در تولید دانش
استاندارد ۱۳	ترویج و اشاعه علم
استاندارد ۱۴	تعاملات علمی
استاندارد ۱۵	تشکیل شرکت‌های خودگردان تحقیقات و فناوری
استاندارد ۱۶	شاخص بین‌المللی شدن و همکاری‌های علمی فرامرزی و جهانی
استاندارد ۱۷	زیرساخت‌های مدارک علمی و فناوری اطلاعات و ارتباطات
حوزه ۱۰	روابط سازمانی با جامعه و اشتغال فارغ‌التحصیلان
استاندارد ۱	اهتمام نهاده شده به اشتغال دانش‌آموختگان
استاندارد ۲	شاخص کارآفرینی، پاسخگویی و تأثیر اجتماعی
حوزه ۱۱	ارزشیابی
استاندارد ۱	ارزشیابی و اعتباربخشی
استاندارد ۲	سطح، درجه و رتبه مؤسسه

به منظور تأیید نمودن مدل مفهومی ارائه شده در این پژوهش، خلاصه‌سازی و مشخص کردن سهم هر یک از عوامل شناسایی شده بر معتبر شدن موسسه‌ای دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی کرمان و دانشگاه‌های علوم پزشکی از تحلیل عاملی استفاده شد.

### آزمون نرمال بودن توزیع نمونه

در این قسمت باید توزیع داده‌های گردآوری شده را تشخیص داد تا بتوان بر اساس آن آزمون‌های مناسب را برگزید. بدین منظور از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده می‌شود. فرضیه‌های این آزمون عبارت‌اند از:

$H_0$ : توزیع نمونه مورد مطالعه نرمال است.

$H_1$ : توزیع نمونه مورد مطالعه نرمال نیست.

نتایج آزمون فرضیه فوق در جدول زیر آمده است.

جدول ۲: بررسی نرمال بودن متغیرها (مأخذ: نگارنده)

وضعیت توزیع	سطح معنی‌داری	متغیرها
نرمال نیست	۰/۰۰۲	ظرفیت، منابع، امکانات و تجهیزات
نرمال نیست	۰/۰۰۰	حوزه روابط سازمانی با جامعه و اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه
نرمال نیست	۰/۰۰۰	حوزه آموزش و یادگیری دانشجوی
نرمال نیست	۰/۰۰۰	مأموریت و اهداف
نرمال نیست	۰/۰۰۰	ارزشیابی
نرمال نیست	۰/۰۰۰	رشد و بالندگی اعضای غیر هیئت علمی

پژوهش، تحقیقات و فناوری و روابط بین‌الملل	۰/۰۰۰	نرمال نیست
رعایت اصول اخلاقی و عدالت	۰/۰۰۰	نرمال نیست
خدمات دانشجویی	۰/۰۰۰	نرمال نیست
مدیریت و رهبری	۰/۰۰۰	نرمال نیست
رشد و بالندگی اعضای هیئت علمی	۰/۰۰۰	نرمال نیست
حوزه رسالت و اهداف	۰/۰۰۰	نرمال نیست
حوزه مدیریت	۰/۰۰۰	نرمال نیست
حوزه آموزش دانشجو	۰/۰۰۰	نرمال نیست
آموزش کارکنان	۰/۰۰۰	نرمال نیست
حوزه منابع و امکانات	۰/۰۰۰	نرمال نیست
حوزه خدمات دانشجویی	۰/۰۰۰	نرمال نیست

بر اساس نتایج جدول فوق، چون سطح معنی داری متغیرها از ۰/۰۵ کمتر است، در نتیجه با احتمال اطمینان ۹۵٪ فرضیه یک ( $H_1$ ) تأیید می‌گردد و فرض مقابل یعنی صفر رد می‌گردد. در نتیجه نرمال بودن توزیع نمونه مورد مطالعه پذیرفته نمی‌شود در نتیجه باید از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده گردد.

جدول ۳: آزمون معناداری تحلیل عاملی (تعیین کفایت حجم نمونه KMO و آزمون کرویت بارتلت)

اندازه‌گیری کفایت آمار نمونه‌گیری Kaiser-Meyer-Olkin.	۰.۷۲۸	
آزمون کرویت بارتلت	Approx. Chi-Square	۷۴,۴۷۷
	df	۴۵
	Sig.	.۰۰۶

با توجه به جدول چون مقدار آماره KMO برابر ۰/۷۲۸ است پس داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب‌اند. همچنین نتایج آزمون کرویت بارتلت نیز معنی دار است به این مفهوم که فرض صفر رد می‌شود یعنی بین متغیرها همبستگی وجود دارد.

جدول ۴: درصد واریانس و مقادیر ویژه عامل‌های مختلف در دانشگاه غیر علوم پزشکی کرمان

مؤلفه‌ها	مقادیر ویژه اولیه			واریانس تبیین شده عامل‌هایی که مقادیر ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از عدد یک باشد.			مجموعه مقادیر عامل‌های استخراج‌شده بعد از چرخش		
	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۳۵,۲۱۳	۵۴,۱۷۴	۵۴,۱۷۴	۳۵,۲۱۳	۵۴,۱۷۴	۵۴,۱۷۴	۱۰,۱۹۵	۱۵,۶۸۵	۱۵,۶۸۵
۲	۲,۴۸۲	۳,۸۱۸	۵۷,۹۹۲	۲,۴۸۲	۳,۸۱۸	۵۷,۹۹۲	۸,۸۸۴	۱۳,۶۶۸	۲۹,۳۵۲
۳	۱,۷۵۳	۲,۶۹۶	۶۰,۶۸۸	۱,۷۵۳	۲,۶۹۶	۶۰,۶۸۸	۶,۱۱۲	۹,۴۰۳	۳۸,۷۵۵
۴	۱,۳۸۱	۲,۱۲۵	۶۲,۸۱۳	۱,۳۸۱	۲,۱۲۵	۶۲,۸۱۳	۵,۴۴۸	۸,۳۸۱	۴۷,۱۳۷
۵	۱,۳۲۷	۲,۰۴۲	۶۴,۸۵۴	۱,۳۲۷	۲,۰۴۲	۶۴,۸۵۴	۵,۴۱۸	۸,۳۳۵	۵۵,۴۷۲
۶	۱,۲۰۷	۱,۸۵۶	۶۶,۷۱۱	۱,۲۰۷	۱,۸۵۶	۶۶,۷۱۱	۴,۳۲۵	۶,۶۵۳	۶۲,۱۲۵
۷	۱,۱۳۳	۱,۷۴۳	۶۸,۴۵۳	۱,۱۳۳	۱,۷۴۳	۶۸,۴۵۳	۴,۱۱۳	۶,۳۲۸	۶۸,۴۵۳
۸	۱,۱۲۹	۱,۵۲۹	۶۹,۹۸۲	۱,۱۲۹	۱,۵۲۹	۶۹,۹۸۲	۳,۶۰۸	۱,۷۷۵	۷۰,۲۲۸
۹	۱,۱۲۱	۱,۴۰۶	۷۱,۳۸۹	۱,۱۲۱	۱,۴۰۶	۷۱,۳۸۹	۳,۳۱۸	۱,۵۵۲	۷۱,۷۸۱
۱۰	۱,۱۱۸	۱,۲۸۴	۷۲,۶۷۳	۱,۱۱۸	۱,۲۸۴	۷۲,۶۷۳	۳,۳۰۳	۱,۳۳۱	۷۳,۱۱۱
۱۱	۱,۱۰۹	۱,۱۸۵	۷۳,۸۵	۱,۱۰۹	۱,۱۸۵	۷۳,۸۵	۲,۷۹۶	۱,۱۵۱	۷۴,۲۶۲

جدول فوق، مقدار ویژه و واریانس متناظر با عامل‌ها را نشان می‌دهد. مقدار ویژه هر عامل، نسبتی از واریانس کل متغیرهاست که توسط آن عامل تبیین می‌شود. مقدار ویژه از طریق مجموع مجذورات بارهای عاملی مربوط به تمام متغیرها در آن عامل قابل محاسبه است، پایین بودن این مقدار برای یک عامل به این معنی است که آن عامل نقش اندکی در تبیین واریانس متغیرها داشته است. هم‌چنانکه مشاهده می‌شود چهار عامل قابلیت تبیین واریانس‌ها را دارند. اگر عامل‌های به‌دست‌آمده را با روش Varimax چرخش دهیم، همچنان که مشاهده می‌شود پنج عامل قابلیت پذیرش بنا، تبیین واریانس‌ها را دارند. اگر عامل‌های به‌دست‌آمده را با روش Varimax چرخش دهیم، در دانشگاه غیر علوم پزشکی، عامل اول (ظرفیت، منابع، امکانات و تجهیزات)، ۵۴,۱۷۴ درصد، عامل دوم (روابط سازمانی با جامعه و اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه)، ۳,۸۱۸ درصد، عامل سوم (آموزش و یادگیری)، ۲,۶۹۶ درصد، عامل چهارم (مدیریت و رهبری)، ۲,۱۲۵ درصد، عامل پنجم (مأموریت و اهداف)، ۲,۰۴۲ درصد، عامل ششم (ارزشیابی)، ۱,۸۵۶ درصد، عامل هفتم (رعایت اصول اخلاقی و عدالت)، ۱,۷۴۳ درصد، عامل هشتم (خدمات دانشجویی)، ۱,۵۲۹ درصد، عامل نهم (پژوهش، تحقیقات و فناوری و روابط بین‌الملل)، ۱,۴۰۶ درصد، عامل دهم (رشد و بالندگی اعضای هیئت‌علمی)، ۱,۲۸۴ درصد، عامل یازدهم (رشد و بالندگی اعضای غیر هیئت‌علمی)، ۱,۱۸۵ درصد از واریانس را در بردارند.

جدول ۵: درصد واریانس و مقادیر ویژه عامل‌های مختلف در دانشگاه علوم پزشکی کرمان

مؤلفه‌ها	مقادیر ویژه اولیه			واریانس تبیین شده عامل‌هایی که مقادیر ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از عدد یک باشد.			مجموعه مقادیر عامل‌های استخراج شده بعد از چرخش		
	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	.۷۷۰	۱۴,۳۴۰	۱۴,۳۴۰	.۷۷۰	۱۴,۳۴۰	۱۴,۳۴۰	.۶۸۵	۱۲,۷۶۷	۱۲,۷۶۷
۲	.۶۳۷	۱۲,۵۴۳	۲۶,۸۸۳	.۶۳۷	۱۲,۵۴۳	۲۶,۸۸۳	.۶۵۳	۱۲,۱۷۱	۲۴,۹۳۷
۳	.۶۲۵	۱۱,۶۵۲	۳۸,۵۳۴	.۶۲۵	۱۱,۶۵۲	۳۸,۵۳۴	.۶۹۶	۱۲,۹۶۴	۳۷,۹۰۱
۴	.۶۰۹	۱۱,۳۳۸	۴۹,۸۷۲	.۶۰۹	۱۱,۳۳۸	۴۹,۸۷۲	.۶۴۳	۱۱,۹۷۱	۴۹,۸۷۲
۵	.۵۳۱	۹,۸۹۶	۵۹,۷۶۸	.۵۳۱	۹,۸۹۶	۵۹,۷۶۸	.۶۳۲	۱۱,۵۳۴	۶۱,۴۰۶
۶	.۴۹۳	۹,۱۸۲	۶۸,۹۵۰	.۴۹۳	۹,۱۸۲	۶۸,۹۵۰	.۵۹۸	۱۱,۳۸۴	۷۲,۷۹۰

در دانشگاه علوم پزشکی، عامل اول (حوزه مدیریت)، ۱۴,۳۴۰ درصد، عامل دوم (حوزه آموزش کارکنان)، ۱۲,۵۴۳ درصد، عامل سوم (حوزه آموزش دانشجو)، ۱۱,۶۵۲ درصد، عامل چهارم (حوزه منابع و امکانات)، ۱۱,۳۳۸ درصد، عامل پنجم (حوزه رسالت و اهداف)، ۹,۸۹۶ درصد، عامل ششم (خدمات دانشجویی) ۹,۱۸۲ درصد از واریانس را در بردارند. بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل ابعاد و گویه‌های مربوط به هر کدام از موارد می‌توان نتیجه گرفت مؤلفه‌هایی که دارای اولویت بیشتری هستند دارای بار عاملی بالایی هستند.

### بحث:

در دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی، اولویت و اهمیت از نظر پاسخگویان به شرح زیر رتبه‌بندی گردید؛ در بین ۱۱ حوزه اعتباربخشی مورد سنجش، حوزه ظرفیت، منابع، امکانات و تجهیزات بیشترین نمره را کسب کرده یعنی از نظر کارشناسان، مدیران، معاونین و روسای آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی کرمان به عنوان مهم‌ترین حوزه در تدوین حوزه‌های اعتباربخشی مؤسسه‌ای است. حوزه روابط سازمانی با جامعه و اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه و همچنین حوزه آموزش و یادگیری دانشجو به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم از لحاظ اولویت حوزه‌ها در تدوین حوزه‌های اعتباربخشی مؤسسه‌ای در دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی قرار گرفته‌اند. لذا سؤال اصلی مبنی بر این که مهم‌ترین حوزه‌های اعتباربخشی مؤسسه‌ای در دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی پاسخ داده می‌شود.

در دانشگاه‌های علوم پزشکی، حوزه مدیریت در اولویت اول قرار دارد. زیرا از نظر کارشناسان، مدیریت کیفیت فراگیر موجب افزایش کیفیت در دانشگاه‌ها و مؤسسات می‌گردد. حوزه آموزش کارکنان در رتبه دوم و حوزه آموزش دانشجو در رتبه سوم قرار گرفته است.

آموزش عالی از گذشته تاکنون گسترش زیادی یافته است و هم از نظر تعداد مراکز آموزش عالی و هم از نظر متقاضیان برای ورود به دانشگاه‌ها و مرکز آموزش عالی افزایش یافته و هم از نظر تعداد رشته و مدرسین مورد نیاز در هر رشته آموزشی تأسیس شده است. در کنار این گسترش کمی برای پیشرفت و توسعه باید ارتقای کیفیت را نیز در نظر گرفت و این خود مستلزم استفاده از اعتبارسنجی است.

الگوی ارائه شده در این تحقیق شامل ۸ گام مطالعات اکتشافی و مقدماتی، تشکیل گروه دلفی و برقراری ارتباط با آن، طراحی ابزار جمع‌آوری داده‌ها، عملیات دور اول دلفی و انجام آزمون نسبت، عملیات دور دوم دلفی و تعیین روایی و اعتبار ابزار، جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه، تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری است الگوی اعتباربخشی تدوین گردید. الگوی اعتباربخشی به‌طور کلی دارای دو مرحله اصلی ارزیابی درونی که در این مرحله مرکز متقاضی اعتباربخشی به خود ارزشیابی می‌پردازد و با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد به دنبال پیدا کردن نقاط ضعف و قوت است، به عبارتی خود را مورد قضاوت قرار می‌دهد و کلیه حوزه‌های تدوین شده شامل؛ مأموریت و اهداف، رعایت اصول اخلاقی و عدالت، مدیریت و رهبری، رشد و بالندگی اعضای هیئت‌علمی، رشد و بالندگی اعضای غیر هیئت‌علمی، ظرفیت، منابع، امکانات و تجهیزات، خدمات دانشجویی، پژوهش، تحقیقات و فناوری و روابط بین‌الملل، روابط سازمانی با جامعه و اشتغال فارغ‌التحصیلان و ارزشیابی موردبررسی و ارزیابی و قضاوت قرار می‌گیرند. سپس مؤسسه آموزشی به برطرف کردن نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت خود می‌پردازد در مرحله دوم الگوی اعتباربخشی و پس از ارائه گزارش خود ارزشیابی به ارزیابی بیرونی می‌پردازیم که این کار توسط یک نهاد تضمین کیفیت و توسط یک هیئت سنجش کیفیت انجام می‌گیرد که خارج از مؤسسه و در رده بالاتر قرار می‌گیرند و حوزه‌های نامبرده شده مجدداً مورد ارزشیابی قرار می‌گیرند در آخر و پس از ارائه گزارش سنجش کیفیت نهاد اعتبار سنجی این گزارش تأیید می‌گردد و به شکل نشان می‌دهد که برنامه یا یک مؤسسه آموزشی تا چه اندازه مناسب است. البته شاخص‌های ارزشیابی و اعتبارسنجی در هر نظام آموزشی متفاوت است و متناسب با فرهنگ و اجتماعی که نظام آموزشی در آن قرار دارد تدوین می‌گردند.

بررسی پایگاه‌های علمی مختلف نشان داد تاکنون تدوین استانداردهای اعتباربخشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی و با چنین رویکردی انجام نشده است، اما پژوهشگران مختلفی این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند. با تطبیق حوزه‌های شناسایی شده در این پژوهش و دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی؛ در حوزه‌هایی شامل: مأموریت و اهداف، مدیریت و رهبری، آموزش و یادگیری دانشجو، هیئت‌علمی، آموزش کارکنان، منابع و امکانات، خدمات دانشجویی، پژوهشی مشابه و در زمینه رعایت اصول اخلاقی و عدالت، روابط سازمانی با جامعه و اشتغال فارغ‌التحصیلان و ارزشیابی متفاوت است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به گسترش و پیشرفت سریع علم و تکنولوژی و تأثیر آن بر جوامع و افزایش تقاضاهای مردم و دولت‌ها، ایجاب می‌کند تا مؤسسات آموزش عالی به‌سوی بروز شدن و بالا بردن کیفیت ارائه خدمات خود در زمینه‌های مختلف مانند مدیریت، اهداف، خدمات دانشجویی، هیئت‌علمی و کارکنان آموزش و پژوهش و ... متناسب با پیشرفت جوامع و سطح تقاضای مصرف‌کنندگان خود باشند. تا بتوانند به فعالیت‌های خود ادامه دهند در غیر این صورت از گردانه پیشرفت و ترقی بازمانده و ادامه حیاتشان بدون متقاضی جزء با متحمل شدن خسارت و ضررهای فراوان امکان‌پذیر نیست و قطعاً از بین خواهند رفت. بخصوص که در حال حاضر به علت گسترش دانشگاه‌ها و ارائه خدمات متنوع در دانشگاه‌های مختلف و داشتن حق انتخاب و دسترسی دانشجویان، اساتید،

خانواده‌ها و جوامع و دولت‌ها به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی جوامع آینده‌نگر ترجیح می‌دهند دانشگاهی را برگزینند که پاسخگوی کلیه نیازهای شغلی و تحصیلی و اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... آن‌ها بوده و از کیفیت خدمات بالایی برخوردار باشند و متناسب با پیشرفت جامع قدم بردارند. در نتیجه دانشگاهی را بر خواهند گزید که از اعتبار بالایی در سطح کشور و حتی جهان برخوردار باشند.

هدف از اعتباربخشی این است که اطمینان حاصل شود که خدمات ارائه شده توسط مؤسسات آموزش عالی با سطح کیفی قابل قبول مطابقت دارد. این یک رویکرد است که با هدف سازمان‌دهی هر فرآیند به منظور دستیابی به کیفیت و با حداقل مشکلات و پیشگیری از اشتباهات در حال انجام است. اعتباربخشی طی مراحل انجام می‌شود؛ در ابتدا و بعد از مشخص شدن استانداردها با همکاری مؤسسات آموزشی و هماهنگی با جامعه وارد مرحله خودارزیابی می‌شود در ارزیابی درونی به جای چک کردن توسط بازرسان، تأکید بیشتر بر «چک کردن خود» وجود دارد. از جمله مهم‌ترین مزایای این روش آن است که هزینه‌ها کاهش می‌دهد، زیرا برونداد در هر مرحله بررسی می‌شود و این امر می‌تواند به بهبود انگیزه کارکنان ارزیابی‌کننده کمک کند به این دلیل که کارکنان مالکیت و تشخیص بیشتری برای کارشان دارند و می‌تواند به شکست موانع «ما و آن‌ها» بین کارگران و مدیران کمک کند، زیرا احساس آزردگی شدن را از بین می‌برد.

ارزیابی درونی کارکنان را قادر می‌سازد تا با شناسایی نقاط ضعف فعلی بهترین عمل و تعیین اینکه چه اقداماتی لازم است انجام شود را انجام دهند.

در ارزیابی بیرونی که توسط بازرسان و کارشناسان خارجی و دانشگاهی را از سایر مؤسسات و برنامه‌های مشابه انتخاب می‌کند و با بررسی نتایج ارزیابی درونی به منظور اطمینان از صحت کار متخصصان داخلی در جهت رفع مشکلات و بهبود عملکرد مؤسسه صورت می‌گیرد و نتایج به صورت گزارشی انتشار می‌یابند. سپس نوبت به رأی دادن توسط تیم ارزیابی کننده می‌رسد و در صورت نیاز به تجدید بازرنگری مجدد صورت می‌گیرد و در صورت انطباق با استانداردها گواهی اعتباربخشی صادر می‌گردد.

در اینجا لزوم اعتباربخشی مشخص می‌شود زیرا تنها راه دانشگاه‌ها برای ارائه این گونه اطلاعات شفافیت در تمامی زمینه‌های مورد تقاضا به متقاضیان است؛ اما انجام این کار قطعاً به سادگی انجام نخواهد گرفت زیرا دانشگاه‌ها در ابتدا باید در جهت افزایش و بهبود کیفیت به تدوین استانداردهایی اعتباربخشی بپردازند که متناسب با شرایط تأسیس دانشگاه باشد تا بتواند پاسخگو مشتریان خود باشند و بتوانند به آن استانداردها عمل نمایند. اعتباربخشی به مؤسسه کمک می‌کند که بدانند در کجاست و باید در کجا باشد و از کدام مسیر باید به این هدف برسد.

دانشگاه‌ها از جمله سازمان‌های مهم و مؤثر دنیای امروز هستند که در رشد و توسعه جوامع از طریق کارکردهایی که برای آن‌ها در نظر گرفته شده، نقش اساسی ایفا می‌کنند کارکردهایی چون؛ تربیت نیروی انسانی، ساخت پایه‌های آموزش، اشاعه و کاربرد دانش و حفظ دانش در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور مشارکت می‌کنند. بدین منظور و برای رسیدن به رشد و توسعه ما نیازمند رشد و توسعه مراکز آموزش عالی در دو بعد کمی و کیفی هستیم.

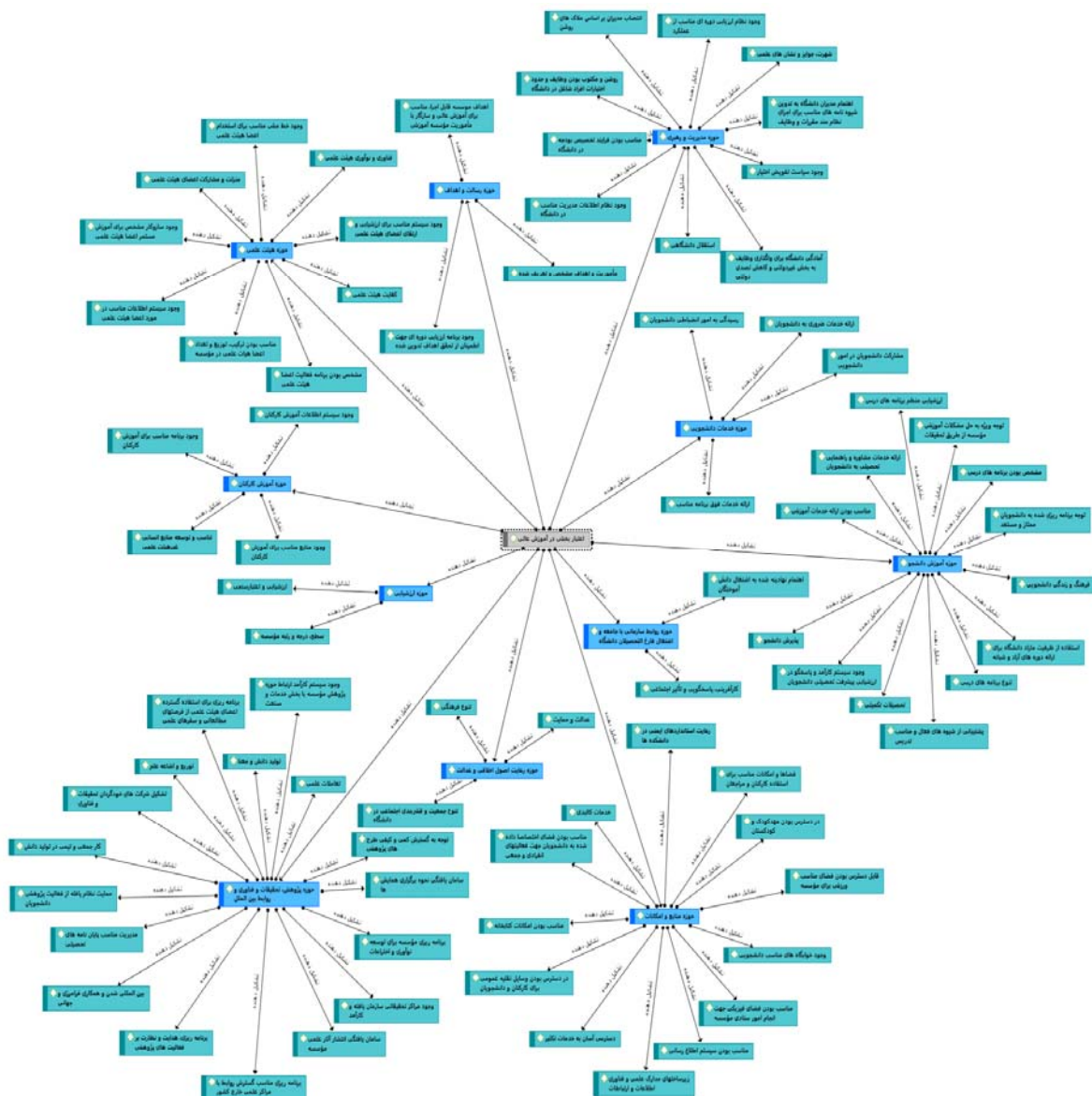
با وجود گسترش کمی آموزش عالی و افزایش تعداد دانشجویان کشور، وضعیت آموزش و پژوهش در واحدهای دانشگاهی رضایت‌بخش نیست. پایین بودن سطح دانش، بینش و توان دانش‌آموختگان به خوبی وضعیت کیفیت آموزش دانشگاه‌های کشور را نشان می‌دهد.

نبرد روش‌های جدید تدریس، تناسب نداشتن محتوا و برنامه‌های درسی با نیازهای روز جامعه، کاهش سطح کیفی اعضای هیئت‌علمی، ایجاد فاصله بین دانشگاه و صنعت، کمبود تجهیزات، امکانات آموزشی و نظارت و ارزیابی دقیق نداشتن از جمله عوامل اصلی در پایین آمدن سطح کیفیت در واحدهای دانشگاهی کشور است.

در ایران نیز در کنار توسعه کمی مسئله کیفیت در سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی که بالاترین سطح نظام آموزشی در جوامع است مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس و برای ارتقاء کیفیت نظام آموزش عالی تدوین استانداردهای اعتبارسنجی را که یکی از رایج‌ترین روش‌های ارزشیابی آموزشی را به دلیل ضرورت در تربیت نیروی انسانی، توسعه دانش کاربردی جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار داده است اعتباربخشی می‌تواند از طریق ارزیابی مداوم منابع مالی، مادی و انسانی راهی برای حصول موفقیت دانشگاه بدون از بین رفتن منابع در حال نابودی از طریق: مهاجرت نخبگان، هزینه‌های گزاف آموزشی بدون در نظر گرفتن نیاز جامعه مانند تأسیس رشته‌هایی که در جامعه بازار کار ندارند را بگشاید. در کشور ایران با توجه به افزایش تقاضا برای ورود به تحصیلات تکمیلی و افزایش دانشگاه‌ها و وجود رقابت در پذیرش دانشجو و اینکه مسلماً دانشجویان و اساتید مستعد دانشگاه‌هایی با کیفیت بالاتر را برای تحصیل و تدریس ترجیح می‌دهند و جلوگیری از مهاجرت دانشجویان از شهر یا حتی کشور خود به دلیل نبود رشته مورد نظر به دلیل در نظر نگرفتن مسائل بومی منطقه یا تحصیل در رشته‌ای که نیاز بازار کار منطقه یا کشور نبوده و یا سایر دلایل مسئله اعتباربخشی ضروری به نظر می‌رسد.

البته شاید دلیل اینکه آیت‌هایی نظیر رعایت اصول اخلاقی و عدالت، روابط سازمانی با جامعه و اشتغال فارغ‌التحصیلان و ارزشیابی به صورت مجزا به دلیل ادغام این آیت‌ها در سایر حوزه‌ها باشد و در نظر گرفتن آن‌ها به صورت ترکیبی و بروز آن‌ها در استانداردهای دانشگاه‌های علوم پزشکی باشد؛ که به دلیل اهمیت بالا و ضرورت وجود این حوزه‌ها و داشتن استانداردها و نشانگرهای مجزا برای این سه حوزه پیشنهاد می‌شود که به صورت مجزا در نظر گرفته شوند.





نمودار ۲: مدل تحلیلی پژوهش

منابع

آزادی، تانیا؛ سلطانی عربشاهی، کامران؛ عرب خردمند، علی؛ قاسمی، محمداصادق؛ محمدی، آیین؛ میرزازاده، عظیم؛ نیکوفر، محمدحسین؛ همتی، علیرضا (۱۳۹۲). «سند اعتباربخشی بین‌المللی دانشگاه علوم پزشکی تهران»، تصویب در چهاردهمین جلسه دوره چهارم هیئت‌رئیس دانشگاه تهران: معاونت بین‌الملل، ۱-۱۵.

پازارگادی، مهنوش؛ پیروی، حبیب‌الله؛ پورخوشبخت، یوسف؛ علوی، مجد حمید؛ عزیزی، فریدون (۱۳۸۰). «ارائه الگویی برای اعتباربخشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱(۴)، ۲۶-۳۴.

حاتمی، جواد؛ محمدی، رضا؛ اسحقی، فاخته (۱۳۹۰). «چالش ساختارسازی برای نظارت و ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی ایران»، پنجمین کنفرانس ارزیابی کیفیت در نظام دانشگاهی، دانشگاه تهران، پردیس دانشکده فنی.

شارع‌پور، محمود؛ فضالی، محمد؛ صالحی، صادق (۱۳۸۷). «بررسی شاخص‌های کیفیت در آموزش عالی بر مبنای تحلیل شایستگی‌های کانونی»، آموزش عالی ایران، دوره ۱، شماره ۱، ۳۰-۵۵.

ظفری پور، طاهره؛ محمدی، رضا (۱۳۹۳). «مدیریت کیفیت رویکردی راهبردی برای ورود آموزش عالی ایران به جامعه جهانی»، ششمین کنفرانس بین‌المللی انجمن آموزش عالی ایران توسعه‌ی آموزش عالی فرامرزی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، انجمن آموزش عالی ایران، ۲۴ اردیبهشت، ۱-۲۰.

فراست خواه، مسعود (۱۳۹۵). «کتاب نمایه آموزش عالی»، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، تهران.

محمدی، رضا (۱۳۹۳). «ارزشیابی و تضمین کیفیت در نظام‌های آموزشی، با تمرکز بر یکپارچه‌سازی نظام آموزشی»، تهران: سازمان سنجش آموزش کشور، اداره کل چاپ و انتشارات.

محمدی، رضا؛ ظفری پور، طاهره؛ صادقی مندی، فاطمه؛ زمانی فر، مریم (۱۳۹۳). «اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی از راه دور: مروری بر الگوها و فرایندها»، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۸: ۱۳۴-۹۵.

نعمتی، محمدعلی (۱۳۹۹). «بهینه‌سازی تجارب موفق بین‌المللی در حوزه خصوصی‌سازی آموزش عالی: راهکارهای برای تضمین و ارتقای کیفیت در نظام آموزش عالی کشور»، چاپ اول. تهران: سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۵۴، ۱۲، ۱۰-۱۳۲.

یوسفی، علیرضا؛ چنگیز، طاهره؛ یمانی، نیکو؛ احسان پور، سهیلا؛ حسن زهرایی، روشنگر (۱۳۹۰). «تدوین سیستم اعتباربخشی موسسه‌ای در دانشگاه‌های علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ویژه‌نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت، ۹: ۱۲۰۱-۱۱۹۱.

- Barzansky, B; Hunt, D; Moineau, G; Ahn, D; Lai, C; Humphrey, H; & Peterson, L. (2015). "Continuous quality improvement in an accreditation system for undergraduate medical education: Benefits and challenges". *Medical Teacher*, 37 (11), 1032-1038.
- Blom, R; Bowe, B; & Davenport, L. (2018). "Accrediting Council on Education in Journalism and Mass Communications Accreditation: Quality or Compliance?". *Journalism Studies*, 20 (10), 1458-1471
- Damiano, P; Reynolds, J; Herndon, JB; McKernan, S; & Kuthy, R. (2019). "The patient-centered dental home: A standardized definition for quality assessment, improvement, and integration". *US National Library of Medicine National Institutes of Health*, 54(2), 446-454.
- Dickson, R.C. (2006). "The Need for Accreditation Reform". *The Secretary of Education's Commission on The Future of Higher Education*. Washington DC.
- Eaton J.S. (2006). "The Secretary of Educations Commission on the Future of Higher Education". *Council for Higher Education Accreditation*, Washington DC.
- El, D; & Stafel, B. (2010). "An Introduction to Evaluation Patterns Including Program, Staff, and Student Evaluation Standards". Translated by Gholamreza Yadegarzadeh, Arash Bahrami, Kouros Parand, Second Edition, Tehran: Book Memorial.
- Geiger, R. (2018). "Perspectives on the History of Higher Education". *Curriculum Accreditation and Coming of Age of Higher Education*, 6<sup>th</sup> edn, New York: Routledge, 166p.
- Hinnenkamp, C; Correia, C; & Wilkinson, T. (2019). "Creating a research culture on the way to AACSB accreditation". *Journal of Education for Business*. 94(3), 204-208.
- Kashiramka, S; Sagar, M; Kumar Dubey, A; & Mehndiratta, A. (2019). "Critical success factors for next generation Technical Education institutions". *Benchmarking: An International Journal*, ahead-of-print (ahead-of-print) [online], Available from: <https://doi.org/10.1108/BIJ-06-2018-0176>
- Martin, M; & Stella, A. (2009). "External quality assurance in higher education". Translated by Reza Mohammadi. Tehran: Publication Center of the National Education Evaluation Organization.

- Sin, C; Tavares, O; & Amaral, A. (2019). "Accepting employability as a purpose of higher education? Academics' perceptions and practices". *Studies in Higher Education*, 44(8), 920-931.
- Terraa, J. D. R; & Berssanetia, F. T. (2018). "Application of lean healthcare in hospital services: a review of the literature (2007 to 2017)", *Production*, 28, 1-14.
- Van Damme, D. (2004). "Standard and Indicator in Institutional and Programme Accreditation in Higher Education: A Conceptual Frame Work and a Proposal. *Studies on Higher Education*". Edited by: Lazar vlasceanu & Leland conley Barrows. Paris: UNESCO.
- Vlăsceanu. L; Grünber, L; & Pârlea, D. (2004). "Quality Assurance and Accreditation: A Glossary of Basic Terms and Definitions". Bucharest, UNESCO-CEPES: Papers on Higher Education.
- Werner, M. C. (1994). "The Development of Generic Competencies in Australia and New Zealand". Australia, National Centre for Vocational Education Research, 1-40.

## یادداشت

1. Vlăsceanu. Grünber, Pârlea
  2. Werner
  3. Sin, Tavares and Amaral
  4. Damiano et al
  5. Blom Bowe And Davenport
  6. Terra & Berssaneti
  7. Van Damme
  8. L & beam
  9. Study Visit
  10. Barzansky et al
  11. Geiger
  12. Hinnenkamp Correia and Wilkinson
  13. Eaton
  14. Kashiramka et al
۱۵. استانداردهای اعتباربخشی مؤسسه‌ای دانشگاه‌های علوم پزشکی. ۱۳۹۴. مصوب اولین جلسه کمیسیون ملی اعتباربخشی. گزارش پروژه اعتباربخشی مؤسسه‌ای دانشگاه‌های علوم پزشکی.
16. focused discussion group

